

بررسی مروری جایگاه تفکر انتقادی و خلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی و کاربرست آن در برنامه ریزی درسی

مازیار رستمی*

زهرا خمبه بینی**

چکیده

امروزه صاحب‌نظران، تفکر انتقادی و خلاق را بعنوان برون‌داد اصلی تعلیم و تربیت نوین معرفی کرده و تدریس تفکر را نکته پایه برای یادگیری بشمار می آورند. تفکر انتقادی و خلاق بر پایه اطلاعات به تقسیم بندی، تجزیه و تحلیل و کاربرد اطلاعات می پردازد و بر همین اساس با کشف قوانین علمی و ارائه نظریه‌های جدید به روند تولید علم شدت می بخشد. این نوع تفکر در تعلیم و تربیت اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در گذشته تصور بر این بود که ممکن است بتوان افراد را متفکر و خلاق بار آورد. اعتقاد همگانی درباره ماهیت تفکر این بود که این مشخصات، کیفیاتی ذاتی و موروثی هستند که به هیچ وجه امکان کنترل و دخل و تصرف در آنها وجود ندارد، اما دانش امروزی نمایانگر این نکته است که تفکر، حل مشکل و خلاقیت پدیده‌های متافیزیکی نیستند، بلکه تفکر یک واقعیت و پدیده ای طبیعی است که تمام قوانین و نظامها و اصول حاکم بر رفتار انسان در آن صادق است. بنابراین تفکر رفتاری یادگرفتنی است و می‌توان افراد را با فراهم کردن شرایط قابل کنترل، متفکر و خلاق بار آورد. هدف این مطالعه، بررسی مروری جایگاه تفکر انتقادی و خلاق در تعلیم و تربیت دانشگاهی و کاربرست آن در برنامه ریزی درسی بود.

* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، شاغل در دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

** دانشجوی کارشناسی تحقیقات آموزشی، شاغل در دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

مواد و روشها: این مطالعه به روش کتابخانه ای و همچنین بصورت مروری بر متون و تحقیقات مرتبط در راستای تفکر انتقادی و خلاق، از طریق سایتهای google، iran medex،magiran، irandoc، sid و کتابچه خلاصه مقالات کنگره های داخلی مرتبط که در مجموع 13 منبع بود، انجام پذیرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد، در سال های پایانی تحصیل در بین دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا، (درسیستم های آموزش عالی)، نمودها و مصادیق تفکر انتقادی و خلاق را شاهد هستیم

نتیجه گیری: برای اینکه فراگیران خوب تربیت شوند و افراد مفیدی در آینده باشند باید متفکر، خلاق، نقاد و دارای بینش علمی باشند. و این تنها در سایه انتقال اطلاعات به ذهن شاگردان و دانشجویان حاصل نمی شود بلکه در برنامه های درسی مدارس و دانشگاه ها، باید روش هایی گنجانده شود که از طریق آنها دانشجویان، قابلیت های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره خود به کار برند و با توجه به نقش اساسی محیط های آموزشی و روش های حاکم بر آنها، باید به صورتی سازماندهی شوند که دانشجویان، را به جای ذخیره سازی حقایق علمی با مسائلی که در زندگی واقعی با آنها مواجه می شوند درگیر سازند.

کلیدواژه ها: تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تعلیم و تربیت دانشگاهی، برنامه ریزی درسی.

مقدمه و بیان مسأله

ریشه های خردمندانه «تفکر انتقادی» قدمتی دیرینه دارد. روش تدریس و دیدگاه سقراط در ۲۵۰۰ سال قبل مؤید این مطلب بوده است. وی اهمیت پرسش سوالات عمیق را که موجب می شوند انسان قبل از پذیرش ایده ای به تفکر در آن بپردازد و نیز اهمیت جستجوی شواهد، آزمایش دقیق، استدلال، فرضیه ها و تحلیل مفاهیم اساسی، نشان داد. بعدها، روش سقراط بوسیله افلاطون و ارسطو دنبال گردید.^(۱) ص ۴۲۷.

اوایل قرن بیستم، تفکر انتقادی، سرفصل کارنظریه پردازان آموزشی قرار گرفت و متخصصین حوزه برنامه ریزی درسی، در صدد برآمدند که شیوه های تفکر انتقادی را با برنامه های درسی مدارس ممزوج سازند.^(۲)

در عصری که کتاب های درسی به سرعت کهنه می شوند و نوآوری دائماً تجربه می شود، اهداف نهایی و کلی تعلیم و تربیت ناگزیر باید تغییر یابد. به عبارت دیگر، روشهای